جوان

روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام آوران نشر روز
مدیرعامل و مدیر مسئول: عبدالله گنجی
آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری تقاطع میرزای شیرازی، پلاک ۳۸۴
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۵۴۲۰۷۵- پنج خط
روابط عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۹، نمابر: ۸۸۴۹۸۴۶۹
توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۷۷-۷۶-۸۸۴۹۸۴۷۵
چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان
چاپ همزمان مشهد: مجتمع چاپ و نشر روزنامه قدس

| روزنامه جوان | شماره ۴۴۰۲ | پنجشنبه ۶ آذر ۱۳۹۳ | ٤ صفر ۱٤۳۶ | اذان ظهر: ۱۱:۵۲ |
غروب آفتاب: ۱۶:۵۲ | اذان مغرب: ۱۷:۱۲ | نیمه شب شرعی: ۲۳:۰۸ | اذان صبح فردا: ۰۵:۲٤ | طلوع آفتاب فردا: ۰۶:۵۳ |

نهج البلاغه

ارزش مشورت‌ها(اخلاقی، اجتماعی)

وَ قَالَ [علیه السلام] مَنِ اسْتَقْبَلَ وُجُوهَ الْآرَاءِ عَرَفَ مَوَاقِعَ الْخَطَإِ.

و درود خدا بر او فرمود: آن کس که از افکار و آرای گوناگون استقبال کند، صحیح را از خطا خوب شناسد.

فیلمبردار «مختارنامه» درگذشت

عظیم جوانروح، فیلمبردار با سابقه سینما و تلویزیون چهارشنبه شب در بیمارستان لاله در گذشت.

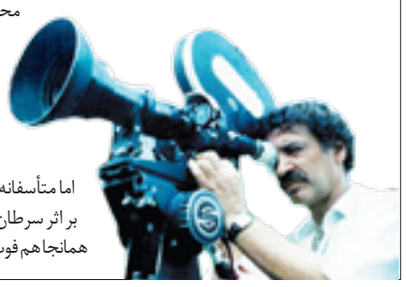

محمود فلاح، تهیه کننده سینما و تلویزیون با تأیید خبر درگذشت عظیم جوانروح، فیلمبردار با سابقه سینما و تلویزیون ایران گفت: جوانروح شرایط خوبی نداشت و بعد از جراحی قلب باز، ریه او آب آورد و در آخرین مراجعه‌ای که به پزشک داشتیم، مشخص شد که او سرطان روده دارد. وی افزود: مرحله شیمی درمانی او بلافاصله آغاز شد اما متأسفانه این مرحله جواب نداد و او شب گذشته سه‌شنبه چهارم آذر بر اثر سرطان روده درگذشت. وی در بیمارستان لاله تهران بستری بود و همانجا هم فوت کرد. این تهیه کننده پیشکسوت درباره زمان و مکان تشییع پیکر جوانروح توضیح داد: دنبال مسائل تشییع پیکر او هستیم. امیدوارم تا صبح جمعه خانواده او از خارج از کشور به ایران برسند و بتوانیم در هفتم آذر پیکر او را از خانه سینما یا مسجد بلال تشییع کنیم. البته هنوز چیزی قطعی نشده است و زمان و مکان قطعی را بعداً اعلام می کنیم. عظیم جوانروح متولد ۱۳۲۴ در اردبیل است و در سال‌های فعالیتش همکاری بسیاری با داود میرباقری داشته و از جمله در آثاری چون «مختارنامه»، «معصومیت از دست رفته» و «شاهگوش» با او همکاری کرده است. ابتدای ورود او به این عرصه سال ۴۷ بوده است و آثار درخشانی در کارنامه‌اش دارد. هفت ترانه، یکی بود یکی نبود، قصه‌های کیش، بیقرار، آخرین خون، پرواز از اردوگاه، ترانزیت، روز فرشته، صبح روز بعد، آواز تهران، مجنون و در انتظار شیطان از جمله فیلم‌هایی است که جوانروح مدیریت فیلمبرداری آنها را برعهده داشته است.

امریکا، تنها کشوری که جنایت‌های بشری تاریخ خود را خود باز تعریف می کند!

سرکوب فرگوسن همزمان با صد سالگی اولین فیلم نژادپرستانه هالیوود

گزارش یک
محمد صادق عابدینی

نزدیک به یک قرن پیش زمانی که دیوید لولین وارک گریفیث تصمیم گرفت درامی مبتنی بر جنگ‌های داخلی امریکا بسازد، اولین فیلم نژادپرستانه دنیای سینما با نام «تولد یک ملت» شکل گرفت؛ فیلمی که به ستایش اقدامات سازمان کوکلاس کلان در آزار و قتل سیاهپوستان پرداخته بود. در این فیلم سیاهپوستان دزد، جنایتکار و یاغی نشان داده می‌شوند. امروز با گذشت نزدیک به یک قرن هنوز هم رسانه‌ها و سینمای امریکا در حال تبلیغ چنین ایده‌های نژادپرستانه‌ای هستند. نمونه این توجیه‌ها را می توان در گزارش پلیس امریکا در قتل یک نوجوان سیاهپوست در شهر فرگوسن دید.

سرخپوست خوب، سرخپوست مرده است

کریستف کلمب، پادشاه اسپانیا را مجاب می کند تا برای پیدا کردن راهی نو برای رسیدن به هندوستان که از دید ناوگان دریایی بریتانیا به دور باشد، هزینه‌های یک سفر تحقیقاتی بلندمدت را تقبل کند؛ عملیاتی ماجراجویانه که در نهایت منجر به تکمیل نقشه جغرافیای جهان و کشف قاره‌ای نو می‌شود. کلمب با استفاده از سلاح‌های آتشین به سرعت بومیان را شکست می‌دهد ولی هرچه در پی گنج و ثروت‌های افسانه‌ای هندوستان می‌گردد، چیزی پیدا نمی کند، به همین خاطر ۳۰۰ سرخپوست را به عنوان برده با خود به اسپانیا می‌آورد و می‌فروشد. این اتفاق اولین گام‌ها برای چپاول قاره نو و اقدامات نژادپرستانه علیه بومیان آن سرزمین بود. ارنست ماندل، نویسنده آلمانی می‌گوید اسپانیایی‌ها طی ۵۰ سال ۱۵ میلیون سرخپوست را در امریکا قتل عام کرده‌اند.

حدود ۳۰۰ سال بعد طی جنگ داخلی امریکا ژنرال فیل شریدان فرمانده نظامی جنوبی‌ها (طرفداران برده‌داری) در نطقی می گوید: «تنها سرخپوستان خوبی که من دیدم مرده بودند». این جمله به سرعت به ضرب‌المثلی پرکاربرد تبدیل شد. از نظر طرفداران ایده برده‌داری «سرخپوست خوب، سرخپوست مرده است». این قاعده درباره سیاهپوستانی که از آفریقا برای کار در مزارع گسترده ایالات متحده به بردگی آورده شده بودند نیز صادق بود. تمام این اتفاقات پیش از تولد سینما رخ می‌داد. تاریخ جنگ‌های داخلی امریکا که در ظاهر به نفع موافقان لغو برده‌داری به اتمام رسید، یکی از موضوعات مورد علاقه فیلمسازان هالیوودی را به نمایش می گذارد، چه در فیلم نژادپرستانه «بربادرفته» که در آن تمام قد از ارتش جنوبی‌ها حمایت می‌شود و چه در فیلم «رقصنده با گرگ» که کوین کاستنر سعی کرده است یک درجه‌دار ارتش امریکا را به عنوان حامی سرخپوست‌ها به نمایش بگذارد.

شیخ عرب دومین قربانی نژادپرستی

بعد از آنکه روشنفکران امریکایی نسبت به نژادپرستی گریفیث در «تولد یک ملت» اعتراض کردند، کارگردانان سینمای امریکا به جای عقب‌نشینی، دایره نگاه‌های نژادپرستانه خود را گسترش دادند و این بار سراغ مردمی رفتند که حکام‌شان از دوستان دست و دلباز و هواداران کم توقع امریکا به شمار می‌روند. اعراب به رغم اینکه دولت‌هایشان در طول تاریخ رابطه نزدیکی با غرب و ایالات متحده داشته‌اند، از حملات نژادپرستانه بی‌نصیب نبوده‌اند. فیلم «شیخ» در سال ۱۹۲۱ ساخته شد. زمانی که حتی بسیاری از دولت‌های عربی تشکیل نشده بودند، ساخته شد. این فیلم به کارگردانی «ردولف والنتینو» کارگردان ایتالیایی‌تبار هالیوود ساخته شد. در این فیلم اعراب وحشی، جنایتکار و دزد به نمایش گذاشته شدند. والنتیو بعد از آن فیلم «پسر شیخ» را نیز ساخت. بعدا با باز شدن پای سرمایه‌گذاران عرب به امریکا، هالیوود سعی کرد کمتر به تمسخر این قوم بپردازد و حتی نویسندگانی مانند اسکات جی سیمون به اشتباه بودن پرداختن به عرب‌ها اشاره کردند.

بروس لی به هالیوود نه گفت

چینی‌تبارها یکی از بزرگ‌ترین اقلیت‌های نژادی را در امریکا تشکیل می‌دهند. در بسیاری از فیلم‌های فانتزی هالیوود یکی از ابزارهای تزریق هیجان به فیلم ایجاد صحنه‌های زد و خورد در «محله چینی‌ها» است. در این فیلم‌ها اغلب چینی‌ها عصبی هستند، زبانشان قابل فهم نیست، در حال خوردن رشته هستند و البته سعی دارند با حرکات رزمی سوپراستار امریکایی را شکست دهند که در آخر با منهدم شدن بساط‌های خرده‌فروشی و رستوران‌هایشان تسلیم قدرت مردم قدرتمند سفیدپوست می‌شوند. بروس لی اسطوره چینی فیلم‌های رزمی با آنکه در هالیوود به شهرت رسیده بود، فضای مافیایی سینمای امریکا را تحمل نکرد و با بازگشت به هنگ کنگ شروع به ساخت فیلم‌های رزمی کرد؛ فیلم‌هایی که در آن نسبت به نژادپرستی ژاپنی‌ها علیه مردم چین واکنش نشان داده می‌شد و به همین دلیل بر محبوبیت این بازیگر در هنگ کنگ و فروش فیلم‌هایش افزوده می‌شد. بروس لی در چند فیلم از جمله «بازی با مرگ» به نمایش مبارزه با امریکایی‌های سفید پوست نیز اشاره کرد. اشاره‌هایی که چندان به مذاق هالیوود خوش نیامد و با مرگ نابهنگام بروس لی این نوع جلوه‌گری‌های شرقی علیه ظالمان غربی بی‌سرانجام ماند.

فیلم «آخرین سامورایی» با بازی تام کروز امریکایی داستان افسری امریکایی را روایت می کند که با فرهنگ سامورایی آشنا می‌شود و در نهایت با آنکه در میان ژاپنی‌ها یک غریبه است، رهبری آنها را بر دوش می گیرد.

نژادپرستی زیر پوستی

چند سالی است که هالیوود سعی می کند خود را از برچسب نژادپرستی مبرا کند یا حداقل آن را به گذشته مربوط سازد. همان طور که هم اکنون گزارش‌هایی در مورد نژادپرستانه بودن انیمیشن «تام و جری» که در آن همیشه مستخدم خانه یک زن چاق سیاهپوست است یا نژادپرستی در کارتون «دامبو» که کلاغ‌ها نمادهایی از جوانان بی کار علاف سیاهپوست هستند، در رسانه‌های ایالات متحده منتشر می‌شود. در فیلم‌های کمدی مانند مجموعه «هارولد و کومار» که قهرمانانش را دو جوان سرخوش هندی تبار و کره‌ای تبار امریکایی تشکیل می‌دهند؛ تلاش شده است تا امریکا را محلی برای زندگی همزیستانه همه رنگین‌پوستان نشان دهند و اگر حرف‌های نژادپرستانه‌ای هم زده می‌شود ناشی از نادانی مأموران سفیدپوست است که نظرات‌شان شخصی است!

هم اکنون برخلاف ایده فیلم‌هایی چون «تولد یک ملت» دیگر قرار نیست کوکلاس کلان‌ها آدم‌های مثبت فیلم باشند، «۱۲ سال بردگی» و «لینکلن» برای این ساخته می‌شوند تا نشان دهند اگر ظلمی بر سیاهپوستان رفته است به خاطر این بوده که یک ارباب امریکایی مشکلات روانی دارد و اگر قانون امریکا اجرا شود، هیچ سیاهپوستی مورد ظلم قرار نمی گیرد. در تحولات جدید دیگر لازم نیست در فیلم‌ها مستقیماً به نژادها توهین شود، بلکه فضا برای فعالیت آنها محدود می‌شود.

«اوکتاویا اسپنسر» بازیگر زن هالیوود که در فیلمی با موضوع نژادپرستی به نام «کمک» بازی کرده است درباره این نوع نژادپرستی می گوید: به‌رغم ادعاها، نژادپرستی در هالیوود بیداد می کند. بازیگران سیاهپوست یا از نژادهای دیگر نمی‌توانند به راحتی در بخش‌های پرمنفعت این صنعت سینمایی مشغول به کار شوند. من با آنکه برنده جایزه اسکار شده‌ام ولی همواره در سینما نقش‌های مکمل و کوچکی که چنگی به دل نمی‌زند، به من پیشنهاد می‌شود. من نتوانستم فرصت مناسب در سینما را به دست آورم، برای همین تصمیم گرفته‌ام که فعالیتم را در حوزه تلویزیون ادامه دهم، آنها همواره به من پیشنهاد می کنند که نقش مادر نگران و پریشان احوال فلان پسر را بازی می کنی؟ من هم می گویم بله حتماً ولی من قبلاً هم بارها این نقش را بازی کرده‌ام. البته این تبعیض‌ها تنها مخصوص سیاهپوست‌ها نیست، بلکه آسیایی‌ها، اسپانیایی‌ها و... همه و همه از این موضوع رنج می‌برند.

امریکایی که با ساخت فیلم‌هایی چون لینکلن می‌خواهد خاطره چندین سال نژادپرستی را محو کند، بعید نیست طی سال‌های آینده درباره حوادثی که امروز در شهر فرگوسن رخ می‌دهد نیز فیلم‌هایی بسازد که در آن نژادپرستی پلیس سفید پوست امریکا توجیه شده و با روایتی امریکایی همه چیز به خوبی تمام شود. تنها شانسی که امریکا برای پوشاندن چندین سال تاریخ نژادپرستی خود دارد این است که همیشه سعی کرده خود راوی اخبار خود باشد و از اینکه با ساخت فیلم به تحریف واقعیت‌ها بپردازد، ابایی نداشته است.

نما | موسی رنجبر

آیا نظارتی بر فعالیت مؤسسه‌های شبکه نمایش خانگی وجود دارد؟

فیلم ضد ایرانی در شبکه نمایش خانگی!

گزارش ۲
وحید مهری

شبکه نمایش خانگی چندی است به یک حیاط خلوت کاملاً مطمئن برای فیلم‌ها تبدیل شده که ظاهراً بدون هیچ نظارتی تولید و توزیع می‌شوند.

پیش از این در همین رسانه بارها به مسئله دست به‌دست شدن سی دی‌های مبتذل در شبکه نمایش خانگی پرداختیم و بیان کردیم که سی‌دی‌های مبتذل و سخیف ظاهراً بدون هیچ گونه نظارتی با مجوز وزارت ارشاد در قفسه هر سوپر مارکت و پیشخوان دکه‌های روزنامه‌فروشی در دسترس مردم قرار می گیرد. اما گویا این قصه پر غصه همچنان ادامه دارد و در تازه‌ترین شاهکار یک فیلم کاملاً ضد ایرانی که خیلی از رسانه‌ها از جمله روزنامه «جوان» درباره تولید آن چندین گزارش نوشته در یکی از همین مؤسسات شبکه نمایش خانگی دوبله و به زودی وارد بازار خواهد شد.

فیلم «ربوکاپ» یا پلیس آهنی، یکی از جدیدترین محصولات سینمای امریکا است که با یک شکست تجاری محض تقریباً سه ماه پیش اکرانش در امریکا به پایان رسید. این فیلم دنباله‌رو فانتزی «آرگو» و در راستای آرزوی دیرینه امریکایی‌ها برای به ثمر نشاندن عملیات جنگی در پایتخت ایران است.

داستان ربوکاپ چیست؟

بعد از فیلم «آرگو» که طی آن یک مأمور امریکایی سازمان سیا مخفیانه وارد تهران می‌شود و در عملیاتی موفقیت‌آمیز کارمندان سفارت این کشور را از خاک ایران خارج می کند حالا امریکایی‌ها در این فیلم سعی دارند تب آمال و آرزوهای دست‌نیافتنی خود را در ابعادی بزرگ‌تر و با حمله نظامی ربات‌های خود به ایران، فتح خیابان‌های سطح شهر تهران و نیز هدایت هواپیماهای جنگی‌شان بر فراز آسمان آبی پایتخت کشورمان اندکی فرو بنشانند. در فیلم «ربوکاپ» خیابان‌های تهران به زیباترین شکل ممکن بازسازی شده‌اند، در سطح خیابان‌ها ربات‌های نظامی امریکایی در ابعاد مختلف به چشم می‌خورند، خبری از هیچ گونه مقابله نیروهای نظامی ایران نیست و این گونه به نظر می‌رسد که امریکایی‌ها با قدرت تمام کل شهر را به تسخیر خود در آورده‌اند. در این فیلم یکی از شخصیت‌های امریکایی می‌گوید که این ربات‌ها قرار است برای مردم خوب سطح شهر تهران امنیت و آرامش را به ارمغان بیاورند اما در عمل مخاطب حس دیگری از این فیلم می گیرد.

هدف از ساخت ربوکاپ آزادسازی تهران است!

برخی کارشناسان می گویند که فیلم «ربوکاپ» عملیات آزادسازی تهران تعمیمی به روش مقابله با جرم و جنایات گسترده در شهر قدیمی «دیترویت» امریکا و طرفداری از طرح خصوصی‌سازی نیروی پلیس است که در سال ۱۹۸۷ میلادی با مقاومت گسترده‌ای از سوی افکار عمومی امریکا مواجه شده بود. اما به نظر می‌رسد که این فیلم چند هدف دیگر نیز داشته است؛ بازنشر شعار عملیات صلح‌جویانه نظامی امریکا در خاک دیگر کشورها، به تصویر کشیدن قدرت جنگنده‌های هوایی این کشور، بسط و گسترش نگاه از بالا به پایین امریکا در قبال کشورهای جهان سومی و نیز فرونشاندن عقده و میل وصف‌ناپذیر این کشور به انجام عملیات نظامی موفقیت‌آمیز در خاک ایران.

ربوکاپ چگونه از ایران سردر آورد

مؤسسه «قرن جدید» که یکی از مؤسساتی است که با مجوز رسمی مشغول به فعالیت در حوزه شبکه نمایش خانگی است، این فیلم را دوبله کرده است و در پیش‌پرده محصولات خود خبر از دوبله و به بازار آمدن آن تا هفته دیگر می‌دهد. حال سؤال اینجاست که آیا مدیران وزارت ارشاد و مدیر عامل مؤسسه رسانه‌های تصویری که مسئولیت نظارت بر محتوای آثار و چگونگی فعالیت این مؤسسات را دارند از توزیع و دوبله این اثر خبر دارند یا خیر؟

باید گفت که بر خلاف تصوری که وجود دارد باید توجه کرد که در شبکه نمایش خانگی با مخاطب گسترده‌تری نسبت به سینما و تلویزیون روبه‌رو هستیم و از همین رو نظارت بر محتوای آثار ارائه شده در چنین سیستمی باید با دقت و احتیاط بیشتری صورت بگیرد.

چرا سامی یوسف ایرانی به ایران نمی‌آید

نکته
معصومه طاهری

در چند روز گذشته برخی خبرگزاری‌ها اخباری مبنی بر حضور سامی یوسف در ایران را منتشر کردند؛ خبری که بلافاصله از سوی شرکت تحت قرارداد با سامی یوسف تکذیب شد. باید گفت سامی یوسف را مردم ایران چند سال پیش با برنامه کوله‌پشتی در شبکه ۳ شناختند و بدون آنکه بدانند او ایرانی است با ترانه‌های اسلامی‌اش که بیشتر درباره پیامبر و اسلام(ص) و این دین بزرگ بوده ارتباط برقرار کردند اما مدتی بعد این خبر که سامی یوسف یک ایرانی‌الاصل آذری است و پدرش بابک رادمنش از آهنگسازان برجسته و شناخته شده کشورمان است که ترانه ماندگار و حماسی «خلبانان ملوانان» اثر اوست خیلی‌ها را به تعجب واداشت؛ چراکه کمتر کسی این موضوع را می‌دانست و از اول مردم گمان نمی کردند او ایرانی باشد اما این جوان ایرانی نه تنها در کشور خود بلکه در جهان اسلام به محبوبیت فراوانی رسید تا آنجا که روزنامه گاردین وی را به‌عنوان «سلطان راک اسلامی» لقب داد. تقریباً باید گفت کمتر ترانه‌سرایی است که توان رقابت با سامی یوسف را در این عرصه دارد هرچند وی خود را شاگرد افرادی مانند یوسف اسلام می‌داند.

مکاتباتی برای دعوت از سامی یوسف به ایران آغاز شده بود اما از قرار مذاکرات به نتیجه‌ای نرسید. در این رابطه یکی از دوستان سامی یوسف در پاسخ به این سؤال که چرا شرایط حضور سامی در ایران این‌قدر سخت است به روزنامه جوان گفت وی به طور حرفه‌ای خود را در اختیار یک شرکت انگلیسی که مسئولیت هماهنگی و بازاریابی آثار او را در سرتاسر جهان به عهده دارد، قرار داده و این چیزی است که در همه جای دنیا عرف است و بدون هماهنگی با این شرکت‌ها افراد نمی‌توانند به راحتی عمل کنند و دارای محدودیت می‌شوند. گفتنی است، رعایت نشدن کپی‌رایت آثار سامی یوسف در ایران و پرداخت نکردن مبلغ بسیار بالایی که با توجه به شهرت و محبوبیت او از سوی شرکت تعیین شده است، شاید یکی از دلایل این عدم حضور باشد.

یادداشت

ایزد مهر آفرین

برای تصویر کردن جنایت علیه سیاهپوستان بودجه نیست!

آنچه مدتی است در فرگوسن واقع در ایالت میسوری، غرب ایالات متحده علیه سیاهپوستان در حال رخ دادن است فارغ از آنکه اقدامی است به شدت ضد حقوق بشری که سردمداران کاخ سفید مدام از آن دم می‌زنند، این واقعیت را هم اثبات می کند سینمای هالیوود آن طور که برخی از شبه‌روشنفکران داخلی می گویند جلوتر از جامعه حرکت نمی کند.

سلسله جنایت‌ها علیه سیاهپوستان چه در فرگوسن و چه در نقاط دیگر ایالات متحده طی دهه اخیر روی داده نشانگر آن است که در سیستم حاکم بر ایالات متحده هنوز که هنوز است این تبعیض نژادی و برتری سفید بر رنگین پوست‌ها رواج دارد اما هالیوود سعی می کند از کنار تبعیض‌های روزگار معاصر بگذرد و اگر هم می‌خواهد از تبعیض نژادی بگوید، داستانش را نیم قرن عقب‌تر برده و این طور القا کند که حاکمان امریکای جدید بوده‌اند که توانسته‌اند شرایط برابری رنگ‌های مختلف را فراهم آورند.

هالیوود حق خود می‌داند درباره تاریخ دیگر کشورها از منظر حاکمان سیاسی ایالات متحده فیلم بسازد. این سینما این حق را دارد که در آثار خود تصویری وارونه از جریان زمینگیر شدن ایالات متحده در ویتنام ارائه و همچنان ایالات متحده را ناجی افغانستان و عراق مطرح کند اما این سینما حتی یک کلمه هم درباره تبعیض‌هایی که در همین سال ۲۰۱۴ در ایالت‌های مختلف امریکا روی داده حرف نمی‌زند.

طبیعی است کم کاری آنها سیاستی است کاملاً هدفمند از سوی لابی‌های پشت پرده استودیوهای هالیوودی که طرح‌ریزی و اجرا می‌شود اما سؤال اینجاست که چرا سینماگران دیگر نقاط جهان و از جمله همین ایران درباره این تبعیض‌ها کاری انجام نمی‌دهند؟

مگر نه اینکه سردمداران کاخ سفید در برهه‌های زمانی مختلف که از عمر جمهوری اسلامی می گذرد، ضربه‌های فراوانی را به ما وارد کرده‌اند و از آن سو به آن دسته از فیلمسازان مثلاً ایرانی که در خدمت منافع آنها فیلم می‌سازند، کمک‌های فراوانی می کنند پس چرا سینماگران اصیل این مرز و بوم تا این حد منفعلانه عمل می کنند؟

تا چه هنگام می‌خواهیم دوربین را در طبقه ششم یا هفتم آپارتمان‌هایی در زعفرانیه بکاریم و درباره خرده مصائب زناشویی فیلم بسازیم؟

شبه روشنفکران که به کنار، چرا آن دسته از فیلمسازان ما که هر هفته درباره اهمیت فیلمسازی درباره منافع استراتژیک جمهوری اسلامی داد سخن می‌رانند و البته به واسطه این سخن‌پراکنی‌ها مرتب از این نهاد فرهنگی و آن نهاد سینمایی بودجه برای فیلمسازی خود فراهم می‌آورند، همت این را ندارند که شده یک فیلم کوتاه درباره اتفاقات چند سال اخیر امریکا از تسخیر وال‌استریت گرفته تا حمله به عراق و افغانستان و زندان‌های ابوغریب و گوانتانامو بسازند؟

چرا یکی از این تهیه‌کنندگان که نام خود را مؤلف نهاده و البته به واسطه بودجه‌هایی که همیشه در اختیارشان است، کل دنیا را هم گشته‌اند در یکی از سفرهایشان به ینگه دنیا پای صحبت خانواده یکی از سیاهپوستان این کشور نمی‌نشینند و حتی در قالب مستند اثری در نفی تبعیض‌نژادی در این کشور نمی‌سازند؟

اینکه سینماگری از جیب بیت‌المال شرایط زراندوزی خود و اطرافیانش را فراهم آورد اما حتی برای پرداخت زکات مالش هم که شده اثری در خدمت حق و حقیقت نمی‌سازد به اندازه رفتارهایی که پلیس میسوری علیه سیاهان داشته، رنج آور است. رنجی که رفته‌رفته به جایی رسیده که صدای عاشقان حق و حقیقت در همین سینمای خودمان را هم درآورده است. سینمایی که ردیف بودجه میلیاردی برای تبلیغ، اکران و انتشار ویژه‌نامه فیلم‌های ضدمخاطب دارد یعنی نمی‌تواند سالی فقط سه فیلم حرفه‌ای علیه جنایات دول استعمارگر داشته باشد؟

خبر

کنگره ۴۵۰ شهید هنرمند تئاتر کشور برگزار می‌شود

تجلیل از خانواده شهدای تئاتر

سازمان بسیج هنرمندان کشور، پس از برگزاری کنگره شهدای هنرمند عکس، دومین کنگره را که مختص به ۴۵۰ شهید تئاتر کشور است با عنوان «ملکوتیان صحنه» برگزار می کند.

حسین مسافر آستانه دبیر کنگره «ملکوتیان صحنه» در این باره می گوید: این کنگره مخصوص شهدای تئاتر است، شهیدانی که هنرمند تئاتر بودند و علاوه بر فعالیت‌های تئاتری روی صحنه در مصاف واقعی‌تر در جبهه‌های جنگ به فیض شهادت نائل شدند.

مسافر آستانه در ادامه افزود: یاد کردن از این شهدا به ویژه شهدای هنرمند تئاتر، مسئولیت‌پذیری را در این دوره از زندگی به ما گوشزد می کند. اینکه بدانیم هنرمندان طی دوران هشت سال دفاع مقدس چه حماسه‌هایی خلق کردند و به ملکوت اعلا پیوستند، برای هنرمند تئاتر امروز تعهد آور است.

دبیر کنگره «ملکوتیان صحنه» در ادامه خاطر نشان کرد: هدف از برگزاری این کنگره علاوه بر ذکر یاد و خاطره این شهدای عزیز، هنرمندان امروز کشور را به پایبندی بیشتر به تعهدات و رسالت هنری خویش رهنمون خواهد کرد و سبب خواهد شد که نسبت به ارزش‌های آن دوران بی‌تفاوت نباشند.

مسافر آستانه درباره برنامه‌های این کنگره می گوید: از برنامه‌های اصلی این کنگره معرفی و الگوسازی هنرمندان شهید تئاتر در دوران دفاع مقدس است. از میان رشته‌های مختلف هنری، تئاتر با بیشترین تعداد هنرمند (۴۵۰ شهید) نقش فعالی در دوران جنگ تحمیلی داشته است. در این کنگره ضمن دعوت از خانواده‌های شهدای تئاتر، از دو هنرمند شهید شاخص در حوزه هنرهای نمایشی تجلیل خواهد شد.

وی با بیان اینکه کنگره «ملکوتیان صحنه» در اردبیل برگزار می‌شود، افزود: هر سال سازمان بسیج هنرمندان یکی از شهدای هنرمند را به عنوان شهید شاخص سال معرفی می کند که این انتخاب بر اساس ویژگی‌های فردی و میزان فعالیت هنری بررسی می‌شود و صورت می گیرد.

بر اساس این گزارش، کنگره ۴۵۰ شهید تئاتر کشور با عنوان «ملکوتیان صحنه» به دبیری حسین مسافر آستانه ۱۲ آذر ماه سال جاری در اردبیل برگزار می‌شود.

بازپخش نسخه اصلاح شده «کوچک جنگلی» ۳۰ سال پس از تولید

کوچک جنگلی، سریالی که پس از ۳ دهه همچنان مخاطب پسند است

دریچه
سپیده آماده

شبکه «آی فیلم» که در سال‌های اخیر با بازپخش سریال‌های محبوب تلویزیونی اعتماد بسیاری از مخاطبان رسانه ملی را به خود جلب کرده، چندی روزی است با پخش سریال کوچک جنگلی، مخاطبان تلویزیون را به سال‌های دهه ۶۰ و زمان پخش اولیه سریال برده است.

۳۰ سال پیش و در سال ۶۳ بود که طرح ساخت کوچک جنگلی در دست مدیران گروه فیلم و سریال آن روزهای تلویزیون قرار گرفت. «ناصر تقوایی» فیلمنامه کوچک جنگلی را با نگاهی به داستان «مردی از جنگل» نوشته احمد احرار نوشته بود، در ابتدای کار قرار بود کارگردانی این پروژه هم بر عهده خود ناصر تقوایی باشد اما وسواس بیش از حد تقوایی بر سر ساخت سریال باعث شده بود که در دوران کارگردانی او تنها ۴۰ تا ۵۰ دقیقه از کار فیلم‌برداری شود.

طولانی شدن پروسه تولید از سوی تقوایی مدیران آن روزهای رسانه ملی را بر آن داشت که بهروز افخمی را که یکی از مدیران گروه فیلم و سریال تلویزیون هم بود، برای کارگردانی این مجموعه تاریخی در نظر بگیرند. شاید یکی از مهم‌ترین نکات اثر بیگ پروداکشن کوچک جنگلی، حضور نعمت حقیقی فیلمبردار باتجربه سینما و تلویزیون بود، همکاری موفقی که در دیگر آثار افخمی مانند عروس و شوکران هم ادامه پیدا کرد.

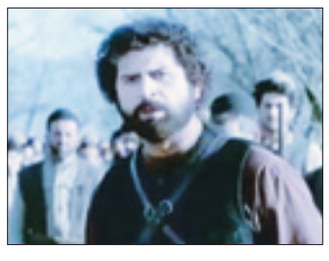

داستان سریال کوچک جنگلی از دوره اول قیام میرزا کوچک خان و شکل گیری فیلم و هیئت اتحاد اسلام کلید می‌خورد تا ورود نیروهای تیمور تاش به رشت و راهپیمایی طولانی جنگلی‌ها به سمت شرق گیلان که منجر به تسلیم شدن حاج احمد کسمایی و اعدام دکتر حشمت شد ادامه پیدا می کند و سریال در همین نقطه تمام می‌شود. دوره دوم قیام جنگل که دوستی میرزا با قوای بلشویکی و اعلام حکومت جمهوری و حوادث بعد از آن تا کشته‌شدن میرزا است، در این سریال وجود ندارد.

سریال کوچک جنگلی یکی از سریال‌های تاریخی و فاخری بود که در دهه ۶۰ و در کنار مجموعه‌های هزار دستان و سلطان و شبان بر صفحه جادویی تلویزیون نشست، دهه‌ای که در آن فیلم‌سازان برای ساخت پروژه‌های فاخر، سوژه‌ای تاریخی و ملی و میهنی را در نظر می گرفتند و نتیجه‌اش هم می‌شد آشنایی مخاطبان رسانه ملی با این شخصیت ها. باز پخش چنین سریال‌هایی ۳۰ سال پس از پخش اولیه‌شان در شبکه آی فیلم باعث می‌شود کسانی که در آن سال‌ها هنوز به دنیا نیامده بودند یا آنقدر کم سن و سال بودند که درکی از تماشای چنین سریال‌هایی نداشتند، این روزها بتوانند در زمان‌های فراغت پای تماشای دلاوری‌های بزرگمردی بنشینند که مبارزه‌اش علیه استبداد و در نهایت شهادتش در این راه تا ابد در گوش تاریخ وطنی که بر پایه خون دلاورمردانی چون او پا برجا است، باقی بماند.